

بازکاوی نقش هوش مصنوعی در اثرگذاری اجتماعی متون عرفانی بررسی موردی در فیه مافیه

مینا بهنام*

چکیده

مقاله حاضر به بررسی نقش تحول‌آفرین هوش مصنوعی در احیا و کاربردی‌سازی متون عرفانی کهن، در زندگی اجتماعی انسان مدرن می‌پردازد. روش پژوهش تحلیلی توصیفی و بر چارچوب نظری هرمنوتیک رایانش و یادگیری ماشین استوار است و نمونه‌گیری با تمرکز بر فیه مافیه مولانا صورت می‌گیرد. این پژوهش نشان می‌دهد که هوش مصنوعی از طریق چهار مکانیسم اصلی قادر به کاهش شکاف بین مفاهیم انتزاعی و شهودی در جهان عرفان و مسائل ملموس زندگی معاصر است و می‌تواند در نقش واسطه‌گری هوشمند برای درک متون، سهولت در دسترسی و کاربردی‌سازی مفاهیم، ایجاد تعاملات چندحسی و نیز تسهیل شکل‌گیری جامعه‌های یادگیری براساس ساخت فکری کاربر امروزی ظهور یابد. درنهایت، استدلال می‌شود که هوش مصنوعی نه به‌عنوان جایگزین، بلکه در نقش یک مفسر رابط می‌تواند متونی مانند فیه مافیه را از جایگاه آکادمیک صرف به عرصهٔ زندگی روزمرهٔ افراد منتقل کرده و به ابزاری قدرتمند برای ارتقای تاب‌آوری فردی و اجتماعی در مواجهه با چالش‌های جهان مدرن تبدیل کند.

◀ کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی، اثرگذاری اجتماعی، متون عرفانی، فیه مافیه.

* استادیار دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، mi.behnam@hsu.ac.ir

۱. مقدمه

امروزه هوش مصنوعی (AI)^۱ به عنوان نیرویی پیشرو در تغییر پارادایم‌های علمی، نقش قابل توجهی در تحول حوزه‌های مطالعاتی گوناگون ایفا کرده است. برخی از کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه علوم انسانی مانند استفاده از روش‌های دیجیتال به جای روش‌های آماری، کلید پیشرفت‌های ثمربخش را در اختیار این دانش نهاده است.

با این همه، همان اندازه که هوش مصنوعی می‌تواند علوم انسانی را متحول کند، پیشرفت هوش مصنوعی نیز بدون کمک دانشمندان این حوزه میسر نخواهد بود. اما کشف دنیای علوم انسانی از دریچه هوش مصنوعی قطعاً مرزهای شناختی بشر را در ابعاد گوناگون جابه‌جا می‌کند. این ابزار می‌تواند با حل مشکلات متناقض و پیچیده در حوزه ایدئولوژیک علوم انسانی منجر به درک بهتر رفتارهای انسان و در نتیجه سبب ایجاد آرامش روحی و فکری شود.

نخستین بارقه‌های علوم انسانی دیجیتال زمانی افروخته شد که کمپانی IBM تصمیم گرفت با کمک محاسبات مدرن یک واژه‌یاب برای نوشته‌های باستانی تدوین کند و ابزارهای دیجیتال را در علوم انسانی به کار گیرد؛ بدین گونه رابطه ادبیات و فناوری تقویت شد و علوم انسانی دیجیتال تولد یافت. به طور پیش فرض با پیشرفت فناوری، همه متون قابلیت هوشمند شدن را یافتند و توانایی هوش مصنوعی رفته‌رفته از استخراج داده و مقایسه متون بسی فراتر رفت. این رخداد بزرگ در حالی به وقوع پیوست که قرن‌های متمادی مسئولیت سنگین مطالعه و تحلیل علوم انسانی صرفاً بر عهده انسان بود که به رغم دشواری‌های بسیار، عملکرد خوبی هم در این زمینه داشت؛ اما به دلیل محدودیت ذهنی توانایی انکشاف بیشتر نداشت. امروزه با پیشرفت فناوری، الگوریتم‌های یادگیری ماشین به کمک پردازش زبان طبیعی بهترین جایگزین برای نیروی انسانی هستند. این الگوریتم‌ها می‌توانند الگوهای پنهان در میلیون‌ها صفحه متنی را کشف و استخراج کنند. کاری که از عهده برجسته‌ترین دانشمندان علوم انسانی نیز بر نمی‌آید. البته این امر به معنای حذف دانشمندان و پژوهشگران علوم انسانی نیست؛ بلکه هوش مصنوعی بخشی از فرایند پژوهش را تسریع و خودکار می‌کند تا «دانشمندان روی تفکر انتزاعی تمرکز کنند. جایی که انسان هنوز دست بالا را دارد و هوش مصنوعی موفق نشده از او پیشی بگیرد» (راسل و نورویگ، ۱۴۰۰: ۲۳).

۲. بیان مسئله

شکاف میان مفاهیم انتزاعی متون عرفانی و زندگی ملموس انسان مدرن، چالشی اساسی در عصر حاضر محسوب می‌شود. هوش مصنوعی به‌عنوان پل ارتباطی نوظهور می‌تواند با ارائه مکانیسم‌های خلاقانه، این شکاف را کاهش داده و نقش مؤثری در تأثیرگذاری اجتماعی متون عرفانی بر زندگی معاصر ایفا کند.

بی‌شک یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث معاصر، شکاف روزافزون بین مفاهیم انتزاعی متون عرفانی و زندگی عینی انسان مدرن است. این شکاف تنها به حوزه فهم نظری محدود نمی‌شود، بلکه به فقدان کاربردهای عملی این متون در مواجهه با مسائل پیچیده جهان امروز منجر شده است. هوش مصنوعی به‌عنوان پل ارتباطی نوظهور و میانجی هوشمند، ظرفیت بی‌بدیلی برای پر کردن این خلأ دارد. این فناوری می‌تواند با به‌کارگیری مکانیسم‌های خلاقانه‌ای چون پردازش زبان طبیعی، یادگیری عمیق و تولید محتوای تعاملی، مفاهیم غنی عرفانی را به‌شکلی ملموس و کاربردی در اختیار انسان معاصر قرار دهد.

از یک‌سو، هوش مصنوعی قادر است با تحلیل الگوهای زبانی و معناشناختی متون عرفانی، لایه‌های پنهان معنایی این آثار را آشکار سازد و ازسوی دیگر، با ایجاد پل ارتباطی بین این مفاهیم و مسائل روزمره، راهکارهای عملی برای چالش‌های زندگی مدرن ارائه دهد. برای نمونه، می‌تواند مفاهیم انتزاعی مانند فراق و وصال در متون عرفانی را به تجربیات عینی در روابط بین فردی، مدیریت بحران‌های عاطفی و یافتن معنای زندگی در جهان پرشتاب امروز تبدیل کند.

این فرایند فقط به سطح فردی محدود نمی‌شود، بلکه در سطح اجتماعی نیز می‌تواند به ایجاد گفتمان‌های نوین اخلاقی، تقویت تاب‌آوری جمعی و بازتعریف مفاهیمی چون مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری بینجامد. بنابراین، نقش هوش مصنوعی در تأثیرگذاری اجتماعی متون عرفانی، تنها به واسطه‌گری محدود نبوده، بلکه شامل خلق پیوندهای معنادار بین سنت و مدرنیته، بین حکمت کهن و نیازهای نوین است.

کتاب فیه مافیه یکی از آثار ارزشمند عرفانی است که مجموعه‌ای از گفتارها و مواعظ عرفانی، فلسفی، مفاهیم عمیق اخلاقی، روان‌شناختی و وجودی را در بر می‌گیرد. باین حال، زبان تمثیلی، ارجاعات تاریخی- فرهنگی و ساختار گفت‌وگو محور آن، درک و دریافت را برای غیر متخصصان دشوار ساخته است. این امر باعث کاهش اثرگذاری اجتماعی این متن و محروم ماندن جامعه مدرن از گنجینه‌ای است که بی‌واسطه با دغدغه‌های بشری همچون جست‌وجوی معنای زندگی، تعاملات فردی و اجتماعی و امیدبخشی و تاب‌آوری مرتبط است.

۳. پرسش و فرضیه

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان این متن عرفانی- فلسفی را به‌شکلی ملموس، شخصی‌سازی شده و قابل اجرا در بافت زندگی معاصر ارائه داد؟ فرض بر این است که هوش مصنوعی، با قابلیت‌های منحصر به فردش، پاسخی شایسته در برابر این چالش است و می‌تواند با بهره‌گیری از الگوهای اجتماعی و فردی از متون عرفانی که گنجینه‌ای از حکمت، معرفت، اندیشه‌های معنوی و فلسفی هستند، بستری بی‌نظیر برای پاسخ به نیازهای انسان معاصر و جامعه مدرن فراهم آورد و با ارائه راهکارهای نوین، این متون را به زندگی مدرن پیوند زده و اثرگذاری اجتماعی آن‌ها را افزایش دهد.

۴. پیشینه پژوهش

با توجه به نوظهور بودن دامنه کاربرد هوش مصنوعی در پژوهش‌های علوم انسانی، پژوهش‌های نسبتاً محدودی به‌ویژه در حوزه فلسفه و علوم اجتماعی صورت گرفته است. در زمینه ادبیات عرفانی و ارتباط آن با هوش مصنوعی، میرداد رضایی و اسلامی (۱۴۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «ترجمان سکوت عرفانی از زبان هوش مصنوعی» به سنجش و مواجهه چت جی‌پی‌تی با متونی حاوی «سکوت عرفانی» پرداخت. این پژوهش نشان می‌دهد که این ربات از ساحت عرفانی متن و تفکیک آن از دیگر حوزه‌ها (ساحت غنایی، حماسی و...) شناخت کافی دارد و پس از پردازش داده‌ها تلاش می‌کند تا آن را براساس مفاهیم عرفانی تجزیه و تحلیل کند. این مقاله در مجموع به قابلیت‌های عملی هوش مصنوعی پرداخته است.

مستجاب‌الدعواتی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «محدودیت‌های معرفت‌شناختی و اخلاقی هوش مصنوعی در تفسیر و تولید محتوای عرفانی» به بررسی تحلیلی محدودیت‌های معرفت‌شناختی و اخلاقی استفاده از هوش مصنوعی در تفسیر و تولید محتوای عرفانی می‌پردازد و با وجود پیشرفت‌های چشمگیر این فناوری، محدودیت‌هایی مانند ناتوانی در فهم شهود، تجربه زیسته و ابعاد شخصی عرفان، و نیز عدم درک کامل زبان استعاره و باطنی متون، کاربرد آن را چالش‌برانگیز کرده است. تأکید نویسندگان بر این است که بدون نظارت انسانی و چارچوب‌های اخلاقی دقیق، نتایج آن ممکن است نادرست یا زیان‌بار باشد و در این پژوهش راهکارهایی برای استفاده مسئولانه از این فناوری نیز پیشنهاد شده است (همان: ۱۶۱-۱۹۰).

حجت انصاری (۱۴۰۴) در مقاله «کاربردهای هوش مصنوعی در زبان ادبیات فارسی» به بررسی جامع کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه زبان و ادبیات فارسی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه فناوری‌های نوین می‌توانند در تحلیل متون ادبی، پردازش زبان طبیعی و ارتقای آموزش زبان فارسی نقش‌آفرینی کنند. در این پژوهش، ابتدا مفاهیم بنیادین هوش مصنوعی و زیرشاخه‌های آن نظیر یادگیری ماشین، یادگیری عمیق و پردازش زبان طبیعی، معرفی می‌شوند. سپس کاربردهای عملی AI در تحلیل محتوای متون ادبی فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. از جمله این کاربردها می‌توان به استخراج مضامین ادبی، طبقه‌بندی ژانرهای شعری، شناسایی سبک نویسندگان، تحلیل واژگان کلیدی، و بررسی سیر تحول زبانی در متون کلاسیک و معاصر اشاره کرد. همچنین، استفاده از مدل‌های زبانی پیشرفته در خلق شعر و داستان، بازنویسی متون ادبی، و حتی شبیه‌سازی سبک نگارشی نویسندگان معروف فارسی، بخش دیگری از این توانمندی‌ها را شامل می‌شود. این مقاله همچنین به چالش‌هایی مانند ضعف منابع داده‌ای در زبان فارسی، پیچیدگی‌های معنایی و بلاغی متون کلاسیک، و ضرورت بومی‌سازی الگوریتم‌ها اشاره می‌کند.

پژوهش حاضر با به‌کارگیری چارچوب نظری هرمنوتیک رایانشی و تمرکز بر مکانیسم‌های کاربردی‌سازی مفاهیم عرفانی در زندگی معاصر، از مطالعات پیشین که عمدتاً به جنبه‌های

نظری یا فنی پرداخته‌اند، متمایز می‌شود. این مطالعه با هدف افزایش تاب‌آوری فردی و اجتماعی، نقش واسطه‌ای هوش مصنوعی را در انتقال مفاهیم عرفانی از حوزه آکادمیک به زندگی روزمره مورد بررسی قرار می‌دهد.

۵. روش‌شناسی

در این پژوهش، از رویکرد تحلیل محتوای نظری (تحلیل مضمون) که بر پایه مدل براون و کلارک استوار است، استفاده شد. این روش بر کیفی بودن داده‌ها بیش از کمیت آن تأکید دارد و امکان شناسایی نظام‌مند الگوهای معنایی موجود در داده‌ها را فراهم می‌آورد (Braun & Clarke, ۲۰۰۶: ۸۶). داده‌ها شامل متن فیه مافیه است که با استفاده از روش قیاس تحلیلی، قابلیت‌های فناوری با نیازهای تفسیری و کاربردی متن تطبیق داده شد.

۶. چارچوب نظری پژوهش

برای اینکه ماشین‌ها بتوانند قابلیت انجام کار برای انسان را داشته باشند، دانشمندان ابعاد هوش مصنوعی را با چهار رویکرد مختلف بررسی کردند: ۱. انسانی فکر کردن؛ ۲. منطقی فکر کردن؛ ۳. انسانی عمل کردن؛ ۴. منطقی عمل کردن. دو ویژگی نخست (انسانی و منطقی فکر کردن)، مربوط به فرایندهای تفکر و استدلال هستند؛ درحالی‌که دو مورد بعدی (انسانی و منطقی عمل کردن)، با رفتار سروکار دارند. امثال راسل و نورویگ در این رویکردها، بر عوامل منطقی رسیدن به بهترین نتیجه تمرکز دارند (۱۳۹۹: ۱۰۴).

۶-۱. هوش مصنوعی؛ قابلیت‌ها، محدودیت‌ها

ذکر این نکته ضروری می‌نماید که به‌رغم توانایی‌های بسیاری که برای هوش مصنوعی متصور است، در مواجهه با ادراک کشف و شهود عرفانی یا توصیف تجربه‌ای بیان‌ناپذیر که عارف آن را بی‌واسطه غیر به دست می‌آورد، ناتوان است و فراتر از دستگاه مفهومی و منطق گزاره‌ای آن قرار دارد. این تجربه، که عرفا از آن به «ذوق و حال» تعبیر می‌کنند، امری کیفی و وجودی است، نه کمی و محاسباتی. بنابراین حوزه‌های ناکارآمدی هوش مصنوعی در قلمرو عرفان را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۶-۱-۱. محدودیت‌های معرفت‌شناختی

- ناتوانی در درک تجربه بی‌واسطه شهودی که ذاتاً فرازبانی و شخصی است.
- عدم دسترسی به ساحت کشف و حال در عرفان که امری وجودی و تجربی است.
- رویکرد تقلیل‌گرایانه در مواجهه با مفاهیمی که ذاتاً پارادوکسیکال و چندوجهی هستند.

۲-۱-۶. محدودیت‌های تفسیری

- در تفسیر عمیق متون عرفانی توانایی ندارد.
 - عدم درک سیاق وجودی تجربه عرفانی که در بستر زیسته عارف شکل می‌گیرد.
 - کاستی در تفسیر مفاهیم تمثیلی و رمزی که نیازمند بینش شهودی است.
- در این پژوهش، ضمن آگاهی از این کاستی، نقش تسهیل‌گرانه هوش مصنوعی، مورد بررسی قرار می‌گیرد و روشن است آنجا که کلام عاجز می‌ماند، هوش مصنوعی نیز به‌عنوان محصولی از کلام و منطق، در نهایت متوقف می‌شود. هوش مصنوعی با تکیه بر ابزارهای تحلیلی خود مانند پردازش الگو، آمار و احتمالات، می‌تواند نمودهای بیرونی و تعبیرهای زبانی این تجربه را بررسی کند؛ حوزه‌های کارآمدی هوش مصنوعی در مطالعات عرفانی را می‌توان این‌گونه معرفی کرد:

۳-۱-۶. تحلیل متون و کشف الگوهای زبانی

- پردازش زبان طبیعی را برای بررسی سبک‌شناسی، اصطلاح‌شناسی و تحول مفهومی در متون عرفانی امکان‌پذیر می‌سازد.
- قابلیت شناسایی الگوهای تکرارشونده، استعاره‌ها و نمادهای مشترک در سنت‌های عرفانی مختلف را دارد.
- مقایسه بینامتنی در حجم عظیمی از متون که تحلیل دستی را دشوار و زمان‌بر می‌سازد.
- به‌صورت خودکار متون را براساس مضامین، رویکردها و سطوح معرفتی دسته‌بندی می‌کند.

۴-۱-۶. زمینه‌یابی تاریخی و اجتماعی

- تحلیل شبکه‌ای ارتباطات میان عرفا، مدارس فکری و جریان‌های عرفانی موجود در ادوار گوناگون.
- تأثیرات و تحولات مفاهیم عرفانی در بسترهای تاریخی مختلف را ردیابی می‌کند.
- ارتباطات ناشناخته میان جریان‌های عرفانی در جغرافیای فرهنگی متفاوت را کشف می‌کند.

متخصص حوزه علوم انسانی غالباً انتظار دارد هوش مصنوعی همانند انسان فکر کند و توانایی تقلید رفتار او را داشته باشد. دیدگاه‌های مختلفی درباره این مسئله وجود دارد. عده‌ای نسبت به این فناوری و تأثیر آن در آینده دانش‌های انسانی به‌ویژه ادبیات فارسی بسیار خوش‌بین هستند و آن را نعمتی برای بهبود دامنه تحقیقاتی تلقی می‌کنند. در مقابل، گروهی نیز معتقدند استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند برای محقق فاجعه‌بار باشد. روشن است که برای هر مقوله‌ای ممکن است مزایا و معایبی مترتب باشد و این حوزه نیز از این قاعده پیروی می‌کند. یکی از ویژگی‌های مثبتی که برای ماشین‌ها وجود دارد این است که تصمیمات ماشین‌ها براساس سوابق قبلی داده‌ها و مجموعه‌ای از الگوریتم‌هاست که می‌تواند احتمال خطا را در این نوع تصمیم‌گیری کاهش دهد. این موضوع، دستاورد مهمی محسوب می‌شود؛ زیرا باعث می‌شود مشکلات پیچیده‌ای که به محاسبه دشوار نیاز دارند، بدون هیچ خطایی حل شوند. مجال کمتر برای خطا و اشتباه سازمان‌های تجاری پیشرفته، برای تعامل با کاربران، از دستیارهای دیجیتال استفاده می‌کنند. این کار موجب صرفه‌جویی در وقت و ارائه خدمات بهتر و سریع‌تر به کاربران می‌شود. از این‌رو هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از فناوری‌های پرکاربرد که به ساده‌سازی فرایندهای بسیاری کمک می‌کند، از رتبه‌بندی صفحات وب گرفته تا طراحی لباس، ابزار و ماشین براساس سلیقه کاربران، قلمرو متفاوت و گسترده‌ای را پوشش می‌دهد (Müller & Guido ۲۰۱۶: ۱۰۷).

نظر به مسئله اصلی این پژوهش، بر سه ویژگی هوش مصنوعی تأکید می‌شود: ۱. هرمنوتیک رایانش (Hermeneutics of Computing)؛ ۲. یادگیری ماشین (Machine Learning)؛ ۳. پردازش زبان طبیعی (Natural language processing).

۲-۶. هرمنوتیک رایانش

هرمنوتیک رایانش به عنوان یک حوزه نوظهور، با تلفیق اصول کهن هرمنوتیک و فناوری های مدرن رایانشی، به دنبال ارائه روش هایی نظام مند برای تفسیر متون و داده ها در عصر دیجیتال است. این حوزه نه تنها به درک بهتر پدیده های انسانی کمک می کند، بلکه چالش های جدیدی را در زمینه تفسیر و فهم ماشین مطرح می کند. هرمنوتیک رایانش بر فهم انسان از ماشین تأکید دارد و نقش فناوری در تسهیل فرایند تفسیر و درک متون را تصویر می کند. به بیان دیگر با تلفیق اصول هرمنوتیک (علم تأویل متن) و فناوری های رایانشی (مانند پردازش زبان طبیعی، یادگیری ماشین) به تحلیل، تفسیر و فهم نظام مند متون، داده ها و پدیده های دیجیتال می پردازد. هدف این حوزه، توسعه روش ها و ابزارهای ماشینی برای کشف معانی، الگوها و زمینه های معنایی در متون و داده ها است؛ به گونه ای که هم به نیت مؤلف (در متون) و هم به زمینه تاریخی- فرهنگی اثر توجه شود، ولی در عین حال، نقش مفسر و پیش فرض های او نیز در فرایند فهم مورد توجه قرار گیرد (فتحی و علیمحمدی، ۱۳۹۸: ۴۳).

۳-۶. پردازش زبان طبیعی

پردازش زبان طبیعی به رایانه ها این امکان را می دهد تا هم متن و هم کلمات گفتاری را مانند انسان درک کنند. زبان شناسی و مدل های یادگیری عمیق، با ترکیب یادگیری ماشینی، زبان انسان را در داده های صوتی یا متنی پردازش می کنند تا معنی، هدف و احساسات رو کاملاً درک کنند؛ برای نمونه در تبدیل گفتار به متن، داده های صوتی به طور قابل اعتمادی به داده های متنی تبدیل می شوند. این عملکرد بسیار چالش برانگیز است زیرا مردم با لحن، تأکید و لهجه های مختلف صحبت می کنند. برنامه نویسان باید برنامه های کاربردی مبتنی بر زبان طبیعی را به رایانه ها آموزش دهند تا بتوانند داده ها را از ابتدا درک کرده و تشخیص دهند. به این ترتیب می توان با به کارگیری الگوریتم ها، به تحلیل و بررسی، حفاظت و ارائه آثار کهن به زبان ساده پرداخت.

یکی از کاربردهای پردازش زبان طبیعی برای ادبیات و سایر دانش های علوم انسانی این است که چت بات های مجازی قادرند اطلاعات متنی را تشخیص دهند و در طول زمان در

اختیار محققان بیشتری قرار دهند. همچنین از طریق تحلیل احساسات و تجزیه و تحلیل زبان مورد استفاده در سیستم عامل های رسانه ای به استخراج احساسات و نگرش ها در آثار ادبی گوناگون مدد می رساند.

۴-۶. یادگیری ماشین

امروزه به دلیل ثمره ای که هوش مصنوعی در تحقیقات کاربردی داشته، بسیاری از انسان ها به کاربرد هوش مصنوعی و توانایی های این فناوری برای سریع تر و دقیق تر کردن کارها اذعان دارند، اما سؤال اینجاست که قابلیت های هوش مصنوعی قرار است دقیقاً در کدام بخش های زندگی انسان تأثیر بگذارد و کدام یک از شاخه های هوش مصنوعی می تواند تأثیر شگرفی بر بهینه سازی زندگی بشر داشته باشد. یادگیری ماشین به سیستم ها امکان می دهد از داده ها یاد بگیرند و تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. برای مثال «در حوزه بهداشت و درمان، یادگیری ماشین می تواند با تحلیل داده های پزشکی به تشخیص زود هنگام بیماری ها کمک کند. در حمل و نقل، سیستم های یادگیری ماشین می توانند با تحلیل ترافیک و پیش بینی الگوهای آن، مسیرهای بهینه را برای رانندگان پیشنهاد دهند. در خانه های هوشمند، یادگیری ماشین می تواند الگوهای رفتاری ساکنان را یاد بگیرد و به طور خودکار دما، نور و امنیت خانه را تنظیم کند» (Graves & Other, ۲۰۱۳: ۶۶۴۶).

یادگیری ماشین برای این منظور الگوریتم هایی را جهت شناسایی الگوها و ساختارهای به کاررفته در داده ها طراحی کرده و در نهایت با استفاده از این الگوها محتوای جدیدی نوشته می شود که سبک یا لحن خاصی دارد. برای نمونه در متن پژوهی ادبی می توان یک هوش مصنوعی را بر روی مجموعه ای از مقالات آموزش داد تا در نهایت از سبک و زبان مشابهی برای نوشتن مقالات جدید با موضوع یکسان که شبیه به متن های نوشته شده توسط انسان هستند استفاده کند. البته در حوزه شعر قدری این مسئله متفاوت است و نتایج حاصل از آن چندان مطلوب نیست. البته به نظر می رسد با پیشرفت نظریه ذهن - چنان که پیش از این گفته شد - بتوان به نتایج بهتری دست یافت.

۶. بحث و بررسی

برای بررسی تأثیرات هوش مصنوعی در دریافت اجتماعی از آثار عرفانی با تکیه بر فیه مافیه، یافته‌های پژوهش در چهار محور اصلی مورد بحث و واکاوی قرار می‌گیرند: نخست، تحلیل عبارات و مضامین اجتماعی مستخرج از متن؛ دوم امکان‌ها و محدودیت‌های هوش مصنوعی در تفسیر؛ سوم نقش هوش مصنوعی به‌عنوان یک رسانهٔ هرمنوتیک و چهارم کاربرد این یافته‌ها برای زندگی انسان مدرن.

۱-۶. تحلیل عبارات و مضامین اجتماعی با هوش مصنوعی

نظر بر اینکه مطالعهٔ موردی این پژوهش بر فیه مافیه استوار است، برای تحلیل و بررسی نقش هوش مصنوعی در اثرگذاری اجتماعی متون عرفانی، دستورهای (Prompt) آماده و در اختیار چند ابزار تحلیلی (Deep Seek, Chat GPT, Gemini) قرار داده شد. شایان ذکر است دستور جست‌وجو یک مرتبه قبل از اینکه متن فیه مافیه پیوست شود، یعنی براساس اطلاعات حافظه صورت گرفت و یک بار پس از پیوست متن انجام شد. به دستورهای زیر توجه کنید:

شمارهٔ ۱	شمارهٔ ۲	شمارهٔ ۳
«مفاهیم اجتماعی موجود در فیه مافیه که یک متن عرفانی است مانند عدالت، حکمرانی و اخلاق اجتماعی را شناسایی و براساس این موارد طبقه‌بندی کن. منبع (صفحه یا فصل) را برای هر مورد ذکر کن.»	«متن عرفانی فیه مافیه را از منظر گفت‌مان اجتماعی تحلیل کن. بگو مؤلف چگونه مسائل جامعهٔ خود را نقد می‌کند یا بازتاب می‌دهد. عبارات و واژگان کلیدی و محل آن‌ها (شمارهٔ صفحه) را استخراج کن.»	«عبارات و مفاهیم مرتبط با غم و شادی را از متن عرفانی فیه مافیه استخراج کن. هر مورد را به‌صورت فهرست شده و با ذکر شمارهٔ صفحه یا بخش ارائه بده.»

هدف کاربر از جست‌وجو با هوش مصنوعی دامنهٔ محدود و متعین ندارد و با مقاصد گوناگونی می‌توان این پرسش‌ها را مطرح کرد. پس وقتی یک کاربر معمولی بدون هیچ‌گونه زمینهٔ ذهنی صرفاً بر مبنای حالات و وضعیت روحی و جسمی خود، اقدام به کشف مفاهیمی از آثار عرفانی می‌کند، ابزار ماشین می‌تواند در حکم یک یاریگر عمل کند. فرض کنید پرامپت شمارهٔ ۱ ازسوی کاربری طراحی شده باشد که در زندگی روزمره با یک امر ناعادلانه یا دور از اخلاق اجتماعی مواجه شده است. در نظر داشته باشیم شناخت اثری همچون فیه مافیه برای وی کمی بعید به نظر می‌رسد. پس حتماً پیش از طرح این پرامپت، دستورهای دیگری را از

هوش مصنوعی خواسته است. صرف نظر از این مسئله ماشین برای دستور شماره ۱، شروع به جست و جو می کند و عبارات، واژگان و حتی مفاهیم را با کمک هرمنوتیک رایانشی و پردازش زبان طبیعی از درون اثر استخراج می کند و در کسری از ثانیه پیش روی کاربر قرار می دهد. دستور شماره ۲ با نگاهی گفتمانی و در نقد فضای جامعه مدرن صورت می گیرد. کاربر به عنوان انسان معاصر که با چالش های گوناگونی در حوزه روابط اجتماعی، فرهنگی و جامعه شناختی مواجه است با همان پیش فرض قبل، مایل است دریابد آیا متون عرفانی می توانند علاوه بر تعاملات درونی و متافیزیکی، کارکردی اجتماعی نیز داشته باشند و آینه ای برای انعکاس رخداد های اجتماعی و روابط قدرت و حتی سیاست متصور شوند. با در اختیار قرار دادن متن فیه مافیه به هوش مصنوعی، جست و جو درباره این مسئله صورت پذیرفت و از او خواسته شد تا مثال هایی نقض از متن استخراج کند. مثال زیر و تحلیل آن از این نمونه است:

یک مهمانی، همه غذاها را در ظروف طلا می ریزد. اما مهمانان به جای تحسین، وحشت زده می شوند و از غذا خوردن امتناع می کنند؛ زیرا می ترسند اگر آن ظروف شکسته یا گم شود، مسئولیتش بر دوش آنها بیفتد. مثال (ترجمه مفهوم): «مردی بود... خوان ها بنهاد و همه در طبق های زرین... جماعت از طعام خوردن باز ایستادند و گفتند: «ما را زهره آن نیست که از این طبق های زرین طعام خوریم. اگر بشکند، کیست که تاوان آن دهد؟»

تحلیل اجتماعی: این داستان، نقدی ظریف بر فاصله طبقاتی و رفتارهای نمایشی اشراف است. مولانا نشان می دهد که ثروت و قدرت وقتی با تکبر و نمایش همراه شود، نه تنها احترام نمی آورد، بلکه ترس و انزجار ایجاد می کند و حتی مانع از انجام یک عمل ساده مانند غذا خوردن می شود. این تمثیل، روابط نابرابر قدرت بین حاکمان و مردم عادی را به تصویر می کشد.

شاهد زیر را نیز هوش مصنوعی از فیه مافیه نقل کرده است. در این نمونه مولانا به طور آشکار عابدی را که عزت گزیده و از هیاهوی زندگی اجتماعی به کوه پناه برده بود، نقد کرده و معتقد است که حقیقت در میان مردم و در تعامل با افراد جامعه قابل وصول است:

مثال (ترجمه مفهوم): «آن عابد را گفتند: "با که انسی داری؟" گفت: "با سگ." گفتند: "چرا با مردم نه؟" گفت: "مردم رهنزاند، اما سگ هم رهنز نیست و هم وفادار." ... این چه عبادتی باشد که از خلق بگریزی؟»

تحلیل اجتماعی: این گفت‌وگو نقد بنیادین رهبانیت و گوشه‌گیری است. مولانا عرفان را نه در فرار از جامعه، که در صحنه زندگی اجتماعی و در تعامل با مردم (با همه مشکلات...) معنا می‌کند. این دیدگاه، کارکرد اجتماعی عرفان را پررنگ می‌کند و آن را به عاملی برای اصلاح جامعه و نه فرار از آن تبدیل می‌نماید.

این دو نمونه مشتی از خروار است. نتایج بیشتر نشان می‌دهد که جست‌وجو با هوش مصنوعی می‌تواند نقش کاربردی آثار عرفانی در حوزه زندگی اجتماعی برای انسان معاصر را به نمایش بگذارد و به کاربران پیام‌آموز که نگاه‌های تک‌بعدی به آثار ادبی چندان صحیح نمی‌نماید؛ درست همان‌طور که عرفان امری منزوی و جدا از جامعه نیست، بلکه دقیقاً در بستر تعاملات اجتماعی معنا می‌یابد. یکی از محاسن جست‌وجو با هوش مصنوعی این است که چنانچه پرامپت دقیق و کاملی به او بدهیم و دایره منابع وی را گسترش دهیم (دستور درست در استفاده از منابع) می‌تواند فهرستی از کتاب‌شناسی و مقالات کاربردی در حوزه خاص مثل تأثیرات اجتماعی متون عرفانی به دست کاربر دهد که وی اصلاً آن‌ها را مطالعه نکرده است و حتی محل آن منبع و نحوه به دست آوردن آن را نیز (اگر کاربر بخواهد) معرفی می‌کند.

یکی از ایراداتی که در حال حاضر به هوش مصنوعی وارد است اینکه در ارائه متن دست‌نخورده و بی‌کم‌وکاست مشکل دارد و غالباً نقل به مضمون می‌کند و قطعاً کاربر نباید به هوش مصنوعی به‌ویژه در ارائه نمونه‌ها اکتفا کند. علاوه‌بر نمونه‌های ذکرشده در این جست‌وجو با واکاوی عبارات، مفاهیم و تمثیلات فیه مافیه، مضامین اجتماعی این اثر همچون انتقاد از دورویی، عدالت‌محوری، نقش سازنده عشق در پیوندهای اجتماعی، نكوهش دنیاگرایی صرف و... را استخراج کرد. همین نگرش اجتماعی مولانا در فیه مافیه و سایر آثارش برای انسان معاصر نیز بسیار آموزنده و راهگشاست.

۲-۶. هوش مصنوعی به مثابه رسانه

مهم‌ترین دستاورد این پژوهش، فراتر از کشف مضامین خاص، ارائه چارچوبی برای درک «نقش» هوش مصنوعی در دریافت اجتماعی از آثار عرفانی است. او به بازتعریف رابطه انسان مدرن و متن عرفانی کهن می‌پردازد. هوش مصنوعی در اینجا صرفاً یک ابزار نیست، بلکه در نقش یک رسانه واسطه‌گر ظاهر می‌شود. این فناوری، با تبدیل مفاهیم انتزاعی عرفانی به داده‌های قابل فهم و بصری، زبان مشترکی بین گفتمان عرفانی و ذهنیت تحلیلی-آماري انسان مدرن ایجاد می‌کند. به بیان دیگر، هوش مصنوعی به متون عرفانی امکان می‌دهد تا به زبان عصر دیجیتال سخن بگویند و از این طریق، زمینه را برای یک گفت‌وگوی نوین فراهم می‌کنند. یعنی نقش پیام‌رسانی را دارد که بین دو جهان (متون کلاسیک و تکنولوژی) پیوند برقرار می‌کند. این دیدگاه، با نظریه هرمنوتیک رایانشی که به تلفیق تفسیر متون و روش‌های محاسباتی می‌پردازد، همخوانی کامل دارد و می‌تواند مقولات پیچیده، مجرد و دشوار عرفانی (مانند مفاهیم عمیق عشق، وحدت وجود، سلوک و...) را به شکل نمودار، نقشه و تصاویر قابل دیدن (نمودارهای شبکه‌ای) درمی‌آورد. با این کار، هم عرفان قابل فهم می‌شود و هم یک کاربر مدرن که ذهنش با آمار و تحلیل داده آشناست، می‌تواند این مفاهیم را درک کند. در واقع این فناوری بین این دو جهان متفاوت پل می‌زند.

برای مثال تصور کنید تمام غزلیات حافظ را وارد یک نرم‌افزار تحلیل متن کنید. این نرم‌افزار نشان می‌دهد که کلمات کلیدی مانند عشق، ساقی، راز، غم، میخانه و... چگونه در سرتاسر دیوان حافظ و تک‌به‌تک غزل‌ها در کنار هم قرار گرفته و چه شبکه مفهومی پیچیده‌ای را ساخته‌اند. این تحلیل، یک زبان مشترک بین شعر حافظ در گفتمان عرفانی و یک انسان مدرن با ذهنیت تحلیلی-آماري ایجاد می‌کند. همین‌الگو را می‌توان در فیه مافیه به کار بست.

از نقش‌های محوری هوش مصنوعی برای تجزیه و تحلیل اجتماعی فیه مافیه، چنان‌که گفته شد، واسطه‌گری هوشمند برای افزایش دامنه ادراک کاربر است. یک مدل زبانی می‌تواند پیش از هر چیز با سرعتی چشمگیر هر جمله پیچیده این اثر را به زبان ساده و امروزی بازگرداند و در همان حین، توضیحاتی زمینه‌ای درباره استعاره‌ها، داستان‌های تمثیلی و ارجاعات تاریخی موجود در متن ارائه دهد. در این موارد، ارائه یک دستور صحیح (تراپت واضح) بازهم در

درجهٔ اول اهمیت قرار دارد. در اینجا «شبکهٔ معنایی» از واژگان اجتماعی موجود در کتاب فیه مافیه مولانا (براساس نسخهٔ فروزانفر) ارائه می‌شود. به دستورالعملی که از جی‌پی‌تی ۴ و دیپ‌سیک خواسته شد دقت کنید:

شبکهٔ معنایی واژگان و مفاهیم مرتبط با نقد اجتماعی را در متن عرفانی فیه مافیه بیاب و به شکل نمودار دسته‌بندی کن.

خروجی جی‌پی‌تی و دیپ‌سیک را نقل می‌کنم تا ضمن تأکید بر موارد مشترک مطرح‌شده، بر تفاوت نحوهٔ پاسخ‌دهی به یک پرامپت واحد توسط دو ابزار نیز صحنه بگذارم.

جی‌پی‌تی: مفاهیم اجتماعی در فیه مافیه با کارکرد انتقادی: نمونهٔ واژه‌ها و مضامین

- حاکمان و قدرت: سلطان، پادشاه، قاضی، وزیر، امیر → نقد ستم و دنیاطلبی اهل قدرت.
- فقیهان و عالمان رسمی: فقیه، قاضی، مفتی، اهل فتوا → نقد جمود فقهی و بی‌معنایی ظاهرگرایی.
- زاهدان و صوفیان قشری: زاهد، متصوف‌نمایی، ریایی، ریاکار → نقد زهد فروشی و تظاهر به دین.
- مردم عادی و جامعه: عامه، خلق، بازاریان، جهل، تقلید → نقد بی‌خردی و دنباله‌روی.
- ثروت و دنیاطلبی: مال، زر، جاه، دنیا → نقد دنیاپرستی و غفلت از حقیقت.
- عدالت و اخلاق اجتماعی: انصاف، حق، ظلم، عدالت → تأکید بر ارزش‌های اجتماعی مثبت.

خوشه‌های معنایی نقد اجتماعی

- قدرت سیاسی ← (سلطان، وزیر، قاضی) ↔ ظلم ↔ بی‌عدالتی

- قدرت دینی ← (فقیه، زاهد، صوفی‌نمای ریاکار) → ریا → جمود فکری
- مردم و جامعه ← (عامه، بازار، جهل، تقلید) → غفلت → نیاز به آگاهی
- اقتصاد و دنیا ← (زر، مال، جاه) → حرص → سقوط معنوی
- ارزش‌های بدیل عرفانی ← (حق، عشق، عدالت، انصاف) → نقد همه دسته‌های بالا

دی‌پس‌ی‌ک: جدول خلاصه شبکه معنایی نقد جامعه‌شناختی و اجتماعی در فیه مافیه

مثال‌ها و مستندات	عناصر تشکیل‌دهنده	محور اصلی
داستان مرد ثروتمند و ظروف طلا، تمثیل دادگاه و قاضی	نقد حاکمان و ثروتمندان، نقد نظام قضایی	نقد ساختارهای قدرت
نقد عابد مردم‌گریز، مشارکت صوفیان در امور اجتماعی	نقد رهبانیت و گوشه‌گیری، تأکید بر مشارکت فعال	نقد مشارکت اجتماعی
انتقاد از رباخواری، اشاره به ظلم حاکمان و روابط نابرابر قدرت	نقد رباخواری و کم‌فروشی، تأکید بر اخلاق اجتماعی	نقد فساد اقتصادی
پاسخ به نیاز مردم بی‌پناه، بازتولید گفتمان استبدادی	آینه‌ای از اوضاع اجتماعی قرن هفتم، تعامل با نهادهای قدرت	بازتاب شرایط تاریخی
استفاده از داستان و مثل، ابعاد ظرفیت مخاطب و همدلی	کلام به‌عنوان ابزار نقد، ابعاد ارتباطی کلامی	نقش ارتباطات کلامی

با توجه به جست‌وجوهای ذکرشده و موارد مشابه بسیاری که مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت، دریافتیم که ابزار هوش مصنوعی می‌تواند با استفاده از قابلیت پردازش زبان طبیعی و داده‌کاوی می‌تواند کارکرد اجتماعی فیه مافیه را به روش‌های زیر برای کاربر معنادار کند: هوش

مصنوعی می‌تواند ضمن استخراج مفاهیم پیچیده عرفانی و اجتماعی متن را به شکل ساده و قابل فهم پردازش کند و به تفسیر و تحلیل مفهومی آن بپردازد. همچنین میان تمثیل‌های عرفانی و مسائل مدرنی که همه جوامع بشری با آن دست‌به‌گریبان هستند از جمله عدالت، فساد، قدرت، صداقت ارتباطی معنادار برقرار کند و با توانایی بسیار در تحلیل داده، در مذمت شکاف طبقاتی یا تجمل‌گرایی و میل به ثروت و قدرت از آن‌ها بهره بگیرد.

از کارکردهای بسیار بااهمیت هوش مصنوعی در عرصه تحقیقات جدید از هر دستی به‌ویژه متون عرفانی، توانایی شبکه‌سازی مفاهیم اجتماعی است. زمانی که کاربر با شبکه‌ای از معانی موجود در متن مواجه می‌شود، افق وسیع و روشنی برابر دیدگان خود دارد که برای آغاز پژوهش مفید فایده است. در تمثیل زیر از فیه مافیه دقت کنید:

دشمنی را اول اندک اندک نصیحت بدهی اگر نشنود آنگه وی را بزنی اگر نشنود
وی را از خود دور کنی. در قرآن می‌فرماید: فعظوهن واهجرهن فی المضاجع
واضرهوهن و کارهای عالم بدین سان می‌رود نبینی صلح و دوستی بهار در آغاز
اندک اندک گرمی‌ای می‌نماید و آنگه بیشتر و در درختان نگر که چون اندک
اندک پیش می‌آیند اول تبسمی آنگه اندک اندک رخت‌ها را از برگ و میوه پیدا
می‌کند و درویشانه و صوفیانه همه را در میان می‌نهد و هرچ دارد جمله درمی‌بازد
پس کارهای عالم را و عقبی شتاب کرد و در اول کار مبالغه نمود آن کار میسر او
نشد اگر ریاضت است طریقهش چنین گفته‌اند که اگر منی نان می‌خورد هر روز
درم‌سنگی کم کند به تدریج چنان‌که سالی و دو برنگذرد تا آن نان را به نیم من
رسانیده باشد چنان کم کند که تن را کمی آن ننماید و همچنین عبادت و خلوت
و روی آوردن به طاعت و نماز اگر به کلی نماز می‌کرد چون در راه حق درآید اول
مدتی پنج نماز را نگاه دارد بعد از آن زیادت می‌کند الی مالانهایه (مولوی،
۱۳۹۸: ۱۰۱).

مولانا در یک بند طولانی از فصل بیستم یادی از شیخ صلاح‌الدین می‌کند و در باب دوستی و دشمنی و حد و اندازه و جنس آن سخن می‌راند. خلاصه کلام مولانا بر این امر تعلق

دارد که هیچ تغییر و اصلاحی - چه در فرد، چه در اجتماع - نباید دفعی و خشونت‌آمیز باشد، بلکه باید از نصیحت و گفت‌وگو آغاز شود، سپس در صورت بی‌اثر بودن، مراحل دیگر در نظر گرفته شود. او این قاعده را با نمونه‌های طبیعی همچون بهار، رویش درختان و سلوک فردی توأم با ریاضت، عبادت مقایسه می‌کند. چت جی‌پی‌تی این متن را به نفع انسان مدرن تفسیر می‌کند و معتقد است در جامعه امروز که انسان‌ها با بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی زیست‌محیطی مواجه‌اند، این متن می‌تواند یادآور این موارد باشد:

- اصلاح اجتماعی نیازمند فرایند تدریجی و صبورانه است.
- خشونت و شتاب‌زدگی در تغییرات، مانع پایداری و رشد واقعی می‌شود.
- همان‌طور که در تربیت فردی باید با مراحل کوچک آغاز کرد، در اصلاح ساختارهای اجتماعی نیز باید از تغییرات خرد شروع نمود تا جامعه ظرفیت پذیرش تحولات بزرگ‌تر را پیدا کند.

هوش مصنوعی نتیجه می‌گیرد که این متن برای انسان مدرن پیام روشنی دارد: تنها راه رسیدن به پایداری و رشد نسبی، صبر در برابر تغییرات تدریجی و پرهیز از افراط است. پس از آن به کاربر پیشنهاد می‌دهد که حاصل را به شکل یک نمودار ارائه دهد و یک مدل پلکانی تحول تدریجی براساس فیه مافیه ترسیم می‌کند. به همین منوال هوش مصنوعی می‌تواند متن فیه مافیه را با سایر چالش‌های اجتماعی مدرن مثل فقر، فساد، ربا و نابرابری تفسیر کند و در اختیار کاربر قرار دهد تا برای حل مسئله از آن بهره‌برد. مثلاً چت‌بات‌های گفت‌وگو محور مسئول تعامل با کاربر هستند و عموماً با ملاحظات به‌درستی از عهده پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران برمی‌آیند. برای نمونه کاربران می‌توانند سؤالاتی درباره مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در متون عرفانی بپرسند و پاسخ‌های موجهی از سوی آن دریافت کنند. بدین‌گونه چت‌بات‌ها کاربردی آموزشی و درعین حال تعاملی می‌یابند.

در کنار چت‌بات‌ها، پلتفرم‌های آموزشی نیز برای درک بهتر از مفاهیم اجتماعی در متون عرفانی کاربرد بسیاری دارد. این ابزار هوشمند با ترکیب فناوری‌های نوین، روش‌های تعاملی و رویکردهای مشارکتی مثل ساخت انیمیشن، موشن‌گرافی و گیم‌پلی‌ها می‌تواند به‌شکلی کارآمد به درک بهتر مفاهیم اجتماعی در متون عرفانی کمک کند. پلتفرم‌ها با تبدیل

یادگیری به یک فرایند جذاب، عمیق و مرتبط با زندگی امروز، می‌توانند پل ارتباطی بین حکمت عرفانی و مسائل اجتماعی ایجاد کنند. در حوزه متون غنی حماسی تلاش‌های بسیاری ازسوی بنیاد بازی‌های رایانه‌ای و شرکت‌های تولید و ساخت انیمیشن و بازی صورت گرفته است که تا حدودی موفق بوده و مخاطبان بسیاری در این حوزه یافته‌اند. ساخت انیمیشن، موشن‌گرافی و به‌ویژه بازی‌های رایانه‌ای از تمثیل‌های عرفانی با موضوعات گوناگون اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه در آثار مولوی تأثیر بسزایی در تفهیم و تفاهم غنای این میراث کهن برای انسان مدرن در سنین گوناگون خواهد نهاد؛ زیرا هوش مصنوعی در قالب ابزاری برای تبدیل مفاهیم انتزاعی عرفانی به تصاویر پویا، جذاب و قابل درک، تأثیرگذار است و با خلق فضای معنوی و تجربه‌ای شبیه‌سازی‌شده از مجالس عرفانی، درک بهتری از بافت اجتماعی تجربه عرفانی پیش روی کاربر قرار می‌دهد. یک جست‌وجوی کوتاه در یوتیوب و آپارات^۲ نشان می‌دهد که با توجه به ادعای پوچ ترک‌ها در خصوص اصالت و تبار مولانا، ازسوی شرکت‌های سازنده در ترکیه با استفاده از هوش مصنوعی، در کسب انتفاع از اصالت این شاعر بزرگ ایرانی پروژه‌هایی انجام می‌گیرد که در اثبات سخنانشان در عرصه جهانی و جلب توریست می‌تواند کمک‌کننده باشد. بنابراین استفاده از هوش مصنوعی در این خصوص لازم است و باید با این مسئله به‌شکل یک هشدار جدی مقابله شود.

چالشی که در این میان مطرح می‌شود این است که هوش مصنوعی چگونه می‌تواند با عینیت بخشیدن به پیام‌های اجتماعی متون عرفانی، آن‌ها را از قالب انتزاعی خارج کرده و به منبعی کاربردی برای طراحی مدل‌های جدید «زندگی اخلاقی» و «مناسبات اجتماعی» در جوامع پیچیده تبدیل کند. برای مثال، استخراج مفهوم «اخلاق ارتباطی» از این متون می‌تواند مبنایی برای طراحی سیستم‌های آموزشی یا حتی پلتفرم‌های دیجیتال باشد که بر مبنای همدلی و مسئولیت‌پذیری مشترک کار می‌کنند.

پیش از این آمد که هوش مصنوعی در نقش یک کاتالیزور اجتماعی برای متون عرفانی کهن ظاهر می‌شود. این فناوری به‌عنوان یک مفسر رابط (Interface Interpreter)، سه تحول اصلی ایجاد می‌کند: نخست دموکراتیک‌سازی دسترسی یعنی قابلیت فهم برای عموم کاربران؛ دوم

عملیاتی‌سازی حکمت یا همان قابل اجرا کردن مفهوم در زندگی روزمره؛ و سوم تعامل عمیق‌تر از طریق رسانه‌های چندحسی که این فناوری در زبان فارسی هنوز به کار گرفته نشده است. تصور کنید یک اپلیکیشن هوش مصنوعی بر پایه متونی مانند فیه مافیه طراحی شده است که بتوان با آن گفت‌وگو و تعامل کرد. سناریوی فرضی ما این است: علی در محل کار با شکست پروژه مواجه شده و تمام روز در حال فکر کردن به این شکست تلخ و عواقب احتمالی آن است و چرخه غصه شکل می‌گیرد.

حال پرسش این است چگونه هوش مصنوعی مفاهیم موجود در فیه مافیه را برای علی به‌عنوان یک کارمند جوان با استرس شغلی، ملموس و کاربردی می‌کند؟ این فرایند با استفاده از هوش مصنوعی مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت. در گام نخست برای بازیابی و تشخیص زمینه (Context Detection) لازم است چند سؤال ساده پرسیده شود: «امروز حالتون چگونه؟ چه چیزی ذهنتون رو مشغول کرده؟» علی تایپ می‌کند: «پروژه‌ام رو به‌خاطر یک اشتباه کوچک از دست دادم و احساس می‌کنم همه‌چیز داره از دستم درمیره.» بدین‌گونه توصیف احساسات صورت می‌گیرد. سپس مدل زبانی هوش مصنوعی به تطبیق و استخراج (Matching Extraction & Interpretation) مفهوم می‌پردازد، متن ورودی علی را تحلیل می‌کند. کلیدواژه‌هایی مانند «اشتباه»، «از دست دادن»، «احساس بد» را شناسایی می‌کند. این کلیدواژه‌ها را با پایگاه دانش خود که شامل مفاهیم «فیه مافیه» است، مطابقت می‌دهد و مفهوم «چرخه غم» مولانا را به‌عنوان مرتبط‌ترین ویژگی با حکمت عرفانی پیدا می‌کند. آنگاه به تفسیر و توضیح (Explanation & Interpretation) مسئله می‌پردازد و بلافاصله پاسخ می‌دهد: «علی جان، به نظر می‌رسد در تله‌ای افتادی که مولانا از آن با عنوان چرخه غم یاد می‌کند. تمرکز روی یک مشکل، مشکلات دیگر را نیز به‌سمت ما جذب می‌کند. گویی که با اضطراب، به مشکل موجود کمک می‌کنی تا رشد کند و بزرگ‌تر شود. علی می‌فهمد که احساسش یک پدیده شناخته‌شده است و مولانا قرن‌ها قبل آن را درک کرده است و پیشنهاد می‌کند که برای شکستن این چرخه، لازم است آگاهانه به دنبال شادی بگردید.» در ادامه، هوش مصنوعی یک تمرین عملی و کاربردی را پیشنهاد می‌کند. «همین الان به مدت دو دقیقه، سه چیزی که در زندگی‌ات بابتشان سپاسگزار هستی را روی کاغذ بنویس. حتی اگر چیزهای کوچکی باشند. این کار

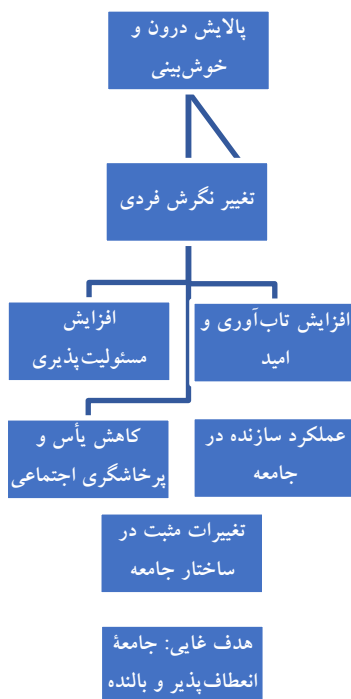
ذهنت رو از حلقه معیوب نگرانی خارج می‌کند. این مفاهیم البته با روان‌شناسی مدرن به شدت پیوند دارد. تکرار این تمرین در روزهای آتی نیز کمک‌کننده است. «بدین‌گونه هوش مصنوعی در نقش یک مربی تربیتی وارد عمل می‌شود. این یک دستورالعمل ساده، سریع و قابل اجراست که با استفاده از آن غالب شکست‌های فردی و اجتماعی را می‌توان با مراجعه به متون کهن عرفانی التیام بخشید. حال اگر این فرضیه توسعه یابد، ملاحظه می‌شود که اگر هزاران کاربر مانند علی از این ابزار استفاده کنند، اثربخشی اجتماعی متون عرفانی بصری می‌گردد و به مرور زمان شاهد جامعه‌ای خواهیم بود که نه فقط می‌تواند با شکست‌ها بهتر کنار بیاید، بلکه تاب‌آوری فردی و در نتیجه تاب‌آوری اجتماعی (individual and social resilience) نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، سبب اشاعه فرهنگی می‌شود و به جای آنکه کتاب فیه مافیه در کتابخانه بماند، حکمت آن از طریق فناوری به درون جامعه و زندگی روزمره انسان‌ها نفوذ می‌کند. همان‌گونه که ذکر شد، اگرچه در حال حاضر اپلیکیشن اختصاصی برای آثار عرفانی از جمله فیه مافیه وجود ندارد، یک خواننده کنجکاو با قدرت پردازش اپلیکیشن‌های عمومی هوش مصنوعی، می‌تواند یک تجربه شخصی‌سازی‌شده و پربار برای خودش خلق کند. این همان نقشی است که هوش مصنوعی می‌تواند به بهترین شکل ایفا کند؛ یک مربی و مترجم همیشه در دسترس برای پیوند زدن حکمت کهن با چالش‌های زندگی مدرن.

برای اثبات این مدعا یکی دیگر از حکایت‌های عرفانی که در فیه مافیه نقل شده است در اختیار هوش مصنوعی قرار داده و از او درخواست شد با بررسی، تفسیر و تأویل متن پاسخ دهد که داستان حاضر چه تأثیر اجتماعی می‌تواند بر زندگی انسان امروز داشته باشد:

عیسی علیه‌السلام بسیار خندیدی، یحیی علیه‌السلام بسیار گریستی. یحیی به عیسی گفت: که تو از مکرهای دقیق قوی ایمن شدی که چنین می‌خندی. عیسی گفت: که تو از عنایت‌ها و لطف‌های دقیق، لطیف غریب حق قوی غافل شدی که چندینی می‌گیری. ولی ای از اولیای حق درین ماجرا حاضر بود، از حق پرسید: ازین هر دو کرامت مقام عالی‌تر است؟ جواب گفت که أَحْسَنُهُمْ بِي ظَنًّا، یعنی اَنَا عِنْدَ ظَنِّ عِبْدِي بِي، من آنجام که ظن بنده منست، به هر بنده مرا

خیالی‌ست و صورتی‌ست، هرچه او مراخی‌ال‌کند من آنجا باشم. من بنده آن خیالم که حق آنجا باشد، بیزارم از آن حقیقت که حق آنجا نباشد، خیال‌ها را ای بندگان من پاک کنید که جایگاه و مقام منست. اکنون تو خود را می‌آزما که از گریه و خنده، از صوم و نماز و از خلوت و جمعیت و غیره ترا کدام نافع‌تر است و احوال تو به کدام طریق راست‌تر می‌شود و ترقیت افزون‌تر آن کار را پیش گیر (مولوی، ۱۳۹۸: ۶۰).

دیپسیک این حکایت تمثیلی از متن را براساس دستور داده‌شده تحلیل مفهومی نمود و داستان را به‌شکلی نمادین، حاوی دو نگرش مختلف به زندگی بیان کرد. او دو تصویر از پیامبران الهی حضرت عیسی (ع) و حضرت یحیی (ع) و نیز پاسخ حضرت حق را نشانگر پیامی کلیدی برای انسان معاصر در نظر گرفت و جمع‌بندی کرد که معیار سنجش، نتیجه‌درونی اعمال بر خود فرد است، نه شکل ظاهری آن‌ها. نمودار زیر نشان می‌دهد که نشانه‌های موجود در متن از سطح فردی به‌سوی تغییرات اجتماعی در حرکت است:



نمودار ۱: سلسله مراتب پیام اجتماعی متن

۷. نتیجه گیری

هوش مصنوعی به عنوان یک فناوری تحول آفرین، پتانسیل بالایی برای افزایش اثرگذاری اجتماعی متون عرفانی در زندگی انسان مدرن دارد. با ارائه تفسیرهای دقیق، زمینه محور و قابل درک از متونی مانند فیه مافیه، هوش مصنوعی نه تنها درک این متون را تسهیل می کند، بلکه به بازتعریف جایگاه آن در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه مدرن کمک می کند. برای تحقق کامل این ظرفیت، لازم است چالش های مربوط به کمبود داده های آموزشی و پژوهشی برطرف گردد.

در آینده، می‌توان انتظار داشت با پیشرفت بیشتر فناوری هوش مصنوعی، افق‌های نوینی در پردازش و فهم متون عرفانی گشوده شود. این پیشرفت‌ها نه تنها به محققان و علاقه‌مندان متون عرفانی کمک می‌کند، بلکه عامه کاربران را نیز به سمت استفاده از این متون جهت تغییر در سبک زندگی مدرن سوق خواهد داد. به این ترتیب، هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان پلی بین سنت و مدرنیته، نقش مهمی در غنی‌سازی زندگی معنوی انسان مدرن ایفا کند و با تفسیر، شبکه‌سازی و تطبیق مفاهیم اجتماعی متون کهن عرفانی با مسائل روز، این آثار عرفانی را به منبعی زنده و کاربردی برای جامعه تبدیل کند. انسان معاصر نه فقط می‌تواند از این فناوری در راستای ساده‌سازی فرایند ادراک متن بهره‌وری کند، بلکه از آن به عنوان ابزاری برای بازگشایی مسائل اجتماعی بهره‌برد.

بنابراین پژوهش حاضر نشان داد که هوش مصنوعی با ارائه خوانشی داده‌محور و ساختاریافته از متون عرفانی، می‌تواند ابعاد نادیده گرفته شده اجتماعی آن‌ها را آشکار کند. اگرچه این فناوری در درک عمق وجود شناختی متون محدودیت دارد، در نقش یک رسانه تفسیری بی‌همتا است که امکان گفت‌وگوی متون سنتی با ذهنیت مدرن را فراهم می‌سازد.

به عنوان پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی، می‌توان به مقایسه تطبیقی مضامین اجتماعی متون عرفانی سایر فرهنگ‌ها با استفاده از هوش مصنوعی و نیز توسعه الگوریتم‌های نسل جدیدی که در درک استعاره و زمینه فرهنگی توانمندترند، پرداخت؛ زیرا خروجی مدل‌های هوش مصنوعی، به وضوح نشان داد که برخلاف تصور رایج از عرفان به مثابه یک سیر کاملاً درونی و فردی، متون عرفانی از تراکم بالایی از مضامین دارای بار اجتماعی برخوردارند. همچنین الگوریتم محاسباتی LDA موفق به شناسایی و استخراج موضوعاتی شد که حول محور مفاهیمی چون «مسئولیت‌پذیری اجتماعی»، «اخلاق ارتباطی»، «خدمت به خلق» و «نقد ساختارهای ناعادلانه» دسته‌بندی می‌شدند. برای نمونه، تجزیه و تحلیل هم‌نشینی واژگانی نشان داد که واژه «عشق» در این متون، اغلب در مجاورت با واژه‌هایی مانند «خدمت»، «بخشش» و «همدلی» قرار گرفته است، نه صرفاً در کنار مفاهیم مجرد و متافیزیکی. این یافته، دیدگاه سنتی را که عرفان را در تقابل با اجتماع می‌پندارد، به چالش می‌کشد و آن را به عنوان منبعی غنی برای خود مراقبتی اخلاقی در زندگی مدرن معرفی می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Artificial intelligence

۲. کلیدواژه‌های Rumi animation یا Mevlana çizgi film می‌تواند مفید باشد.

منابع

حجت انصاری، مهری. (۱۴۰۴). کاربردهای هوش مصنوعی در زبان ادبیات فارسی. اولین همایش بین‌المللی نوآوری‌های فناوری در آموزش و پرورش، رامشیر، <https://civilica.com/doc/۲۳۲۸۳۹۹>
راسل، استوارت و نوروینگ، پیت. (۱۴۰۰). هوش مصنوعی (رهیافتی نوین). ترجمه عین‌الله جعفرنژاد قمی. تهران: علوم رایانه.

فتحی، محمود و علی‌محمدی، علی. (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر یادگیری ماشین با کاربردهای مبتنی بر R & Python. تهران: کانون نشر علوم.

مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۹۸). فیه مافیه. تصحیح و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر. چ۳. تهران: زوار.
میردار رضایی، مصطفی و اسلامی، مهسا. (۱۴۰۴). ترجمان سکوت عرفانی از زبان هوش مصنوعی (مواجهه ربات چت جی‌پی‌تی با سکوت عرفانی). پژوهش‌های ادبی و زبان‌شناسی، ۱۹ (۱)، ۱-۲۱.

Braun, V. & Clarke, V. (۲۰۰۶). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, ۳ (۲), ۷۷-۱۰۱.

Graves, A., Mohamed, A. & Hinton, G. (۲۰۱۳). Speech recognition with deep recurrent neural networks. In ۲۰۱۳ *IEEE International Conference on Acoustics, Speech and Signal Processing* (pp. ۶۶۴۵-۶۶۴۹). IEEE. <https://doi.org/۱۰/۱۱۰۹/ICASSP.۲۰۱۳/۶۶۳۸۹۴۷>

Muller, Andreas C. & Guido, Sarah. (۲۰۱۶). *Introduction to Machine Learning with Python*. O'Reilly.

Revisiting the Role of Artificial Intelligence in the Social Impact of Mystical Texts: A Case Study of *Fihi ma Fihi*

Mina Behnam

Assistant Professor, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: mi.behnam@hsu.ac.ir

Received: ?/?/?

Accepted: ?/?/?

Introduction

Artificial intelligence, particularly through advances in the digital humanities, natural language processing (NLP), and machine learning, has become an important methodological force in the transformation of the humanities. From early computational methods of textual searching and indexing to contemporary systems capable of semantic analysis and pattern recognition, computational technologies have created new possibilities for textual research. They enable researchers to identify recurring lexical, thematic, and conceptual patterns across extensive textual corpora, patterns that would be difficult to examine manually on a comparable scale. Nevertheless, this transformation does not eliminate the role of the researcher; rather, it shifts scholarly attention from mechanical text processing toward interpretation and critical evaluation.

This issue is particularly significant in the study of classical mystical literature. Mystical texts frequently employ allegory, metaphor, paradox, symbolism, and culturally specific references, whose meanings cannot be fully apprehended through literal or purely lexical reading. The historical and conceptual distance between such texts and contemporary readers may consequently diminish their accessibility and social impact. *Fihi ma Fihi*, with its reflections on spiritual development, ethical conduct, social relations, power, wealth, justice, and human transformation, provides a significant case for such an inquiry. Its historical and symbolic language, however, may make its social and ethical dimensions difficult for non-specialist readers to discern. The central research question is therefore how AI can mediate between the conceptual world of *Fihi ma Fihi* and the practical concerns of contemporary human beings without reducing the complexity of its mystical discourse. The study hypothesizes that AI-assisted analysis can reveal implicit social patterns within the text and facilitate their contextualization for contemporary readers.

Findings

The findings are based on a qualitative content analysis of *Fihi ma Fihi* supported by AI tools, including DeepSeek, ChatGPT, and Gemini, and are organized into five interconnected dimensions.

First, AI-assisted analysis facilitates the identification of latent social and ethical themes, including criticism of rulers and political power, opposition to religious formalism and jurisprudential rigidity, condemnation of hypocrisy and excessive attachment to worldly status, and emphasis on justice, fairness, generosity, service, and ethical communication. For example, the allegory of the golden vessels and the guests' refusal to eat raises questions concerning social hierarchy, the display of wealth, and elite behavior. Similarly, Rūmī's treatment of the ascetic who withdraws from society can be understood as a critique of forms of religiosity that separate spiritual development from human interaction. These patterns indicate that Rūmī's mysticism possesses a significant social and ethical dimension.

Second, semantic networking and conceptual classification reveal five principal clusters: political power, represented by the sultan, judge, and minister and associated with tyranny and justice; religious authority, represented by the jurist and ascetic and associated with formalism and intellectual rigidity; people and society, associated with negligence and blind imitation; wealth and material attachment, associated with greed and spiritual decline; and alternative mystical values, including love, truth, justice, generosity, and service. Of particular significance is the collocational relationship between *love* and concepts such as *service*, *generosity*, and *empathy*. This finding challenges interpretations of mystical love as exclusively metaphysical or inward-oriented and suggests that, in Rūmī's discourse, mystical love can acquire concrete ethical and social significance through relationships with others.

Third, AI demonstrates a hermeneutic and mediating function beyond textual extraction. Computational tools can transform mystical concepts into semantic networks, conceptual maps, and visual diagrams. Such multimodal representations can facilitate contemporary audiences' understanding of relationships among complex concepts and create a bridge between the symbolic language of mysticism and contemporary analytical modes of understanding. Nevertheless, they should not be regarded as definitive readings of the text.

Fourth, the study examines the practical application of mystical concepts in contemporary reflective and educational contexts. In a hypothetical case involving a young person experiencing professional failure, AI can identify passages related to adversity, attachment, transformation, patience, and gratitude and translate them into context-sensitive reflective exercises. For example, gratitude practice can provide a contemporary pedagogical form through which readers engage with selected ethical insights from the text. The purpose is not to transform *Fihi ma Fihi* into a self-help book or to equate Rūmī's thought with contemporary psychological theories; rather, AI can facilitate a hermeneutic dialogue between historically situated mystical teachings and present-day concerns.

Fifth, the study also reveals the epistemological and interpretive limitations of AI. Computational systems can identify linguistic patterns and semantic relationships, but they do not have direct access to the experiential dimensions of mystical knowledge, including *kashf* (spiritual unveiling), *hāl* (mystical state), and *dhawq*

(spiritual taste or direct experiential apprehension). Nor can they fully apprehend the symbolic, existential, and affective dimensions of mystical discourse. AI-generated interpretations may be sophisticated and persuasive, but they remain fundamentally different from lived mystical experience. This distinction establishes an essential boundary between computational analysis and human hermeneutic experience.

Conclusion

This study demonstrates that AI, particularly through computational hermeneutics and natural language processing, can function as an interpretive interface between classical mystical texts and the contemporary lifeworld. The analysis of *Fihi ma Fihi* reveals a significant social dimension encompassing criticism of political and religious authority, opposition to hypocrisy and formalism, emphasis on justice and service, criticism of social withdrawal, and attention to ethical transformation. From this perspective, Rūmī's mysticism is not merely a project of inward spiritual development but also a form of socially engaged thought capable of engaging with contemporary ethical and social concerns.

At the same time, the role of AI must be understood within its epistemological limitations. Its propositional and statistical nature prevents it from directly accessing *ḥāl*, *kashf*, and other experiential and symbolic dimensions of mysticism. AI can therefore facilitate access, comparison, visualization, and contextual application, but it cannot replace human interpretation or lived mystical experience. Its most appropriate role is that of a facilitator, mediator, and catalyst for contemporary rereading. Responsible use of AI requires human oversight, historical and textual contextualization, and adherence to ethical safeguards. Within such a framework, AI can contribute to the social life of works such as *Fihi ma Fihi* while preserving the irreducible role of human interpretation in the encounter with mystical meaning.

Keywords: Artificial Intelligence, Social Impact, Mystical Texts, *Fihi ma Fihi*, Computational Hermeneutics, Natural Language Processing.